



## China's energy strategy (with emphasis on the war in Ukraine and the agreement between Iran and Saudi Arabi)

Received : 2023/12/20

accepted : 2024/01/26



**Rezashakari afsanjani:**  
Ph.D. in International Relations, Rafsanjan Branch, Islamic Azad University, Rafsanjan, Iran (Corresponding author)

Email:  
reza.shokri2112@yahoo.com



**Jelal Mirzaee:**  
Associate professor and faculty member of Shahid Bahonar University of Kerman

Email:  
j.mirzaee@uk.ac.ir



**Golnaz Amjadi:**  
Ph.D. in International Relations, Islamic Azad University, Rafsanjan branch

Email:  
amjadi.golnaz@yahoo.com

### abstract

Energy diplomacy is carrying out diplomatic missions in line with major development goals with the aim of improving the country's political and economic position and attracting international and regional investments and cooperation in the energy sector. Today, by benefiting from energy diplomacy, countries are trying to ensure their interests and energy security in this field as much as possible without using force. China, as the largest major energy consumer in the world, using the tool of energy diplomacy in the Middle East; Central Asia, Africa and Latin America have raised their major concerns about energy security. Energy diplomacy has become China's effective tool in determining the new global order, and this country has tried to adjust its foreign policy direction based on economic interests. China's energy diplomacy has been rapidly changing and expanding over the past two decades, and new geopolitical developments and the establishment of international regimes have strengthened this country's energy diplomacy. The main goal of this research is to examine China's strategy in the field of energy with an emphasis on the Ukraine war and the agreement between Iran and Saudi Arabia. This research with descriptive and analytical methods and library studies is an answer to the question of how the new global international developments are in line with the energy diplomacy goals of this country. China has strengthened its political legitimacy and economy by creating new investment opportunities, increasing connections with the global community and oil-rich countries, energy exports and imports. The consequences of these wars will be creating insecurity in the field of energy supply and increasing the price of energy carriers.

**keywords:** China's strategy, diplomacy, energy, defense

### راهبرد چین در حوزه انرژی (با تاکید بر جنگ اکراین و توافق ایران و عربستان)

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۹

#### چکیده

دیپلماسی انرژی انجام ماموریت های دیپلماتیک در راستای اهداف کلان توسعه با هدف ارتقا موقعیت سیاسی و اقتصادی کشور و جلب سرمایه گذاری ها و همکاری های بین المللی و منطقه ای در بخش انرژی است. امروزه کشورها با بهره مندی از دیپلماسی انرژی تلاش می کنند تا حد امکان بدون استفاده از زور، منافع و امنیت انرژی خود را در این عرصه تامین کنند. چین به عنوان بزرگترین مصرف کنندگان عمده انرژی در جهان با استفاده از ابزار دیپلماسی انرژی در خاورمیانه؛ آسیای مرکزی، آفریقا و آمریکای لاتین نگرانی عمده خود را در خصوص امنیت انرژی تا حدودی مرتفع ساخته است. دیپلماسی انرژی، ابزار موثر چین در تعیین نظم نوین جهانی شده و این کشور تلاش کرده جهت گیری سیاست خارجی خود را بر مبنای منافع اقتصادی تنظیم کند. دیپلماسی انرژی چین طی دو دهه گذشته به سرعت در حال تغییر و گسترش بوده است و تحولات ژئوپولیتیکی جدید و استقرار رژیم های بین المللی، دیپلماسی انرژی این کشور را تقویت کرده است. هدف اصلی این پژوهش بررسی راهبرد چین در حوزه انرژی با تاکید بر جنگ اکراین و توافق ایران و عربستان است. این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی و مطالعات کتابخانه ای در پاسخ به این پرسش است که تحولات بین المللی جدید جهانی چگونه در راستای اهداف دیپلماسی انرژی این کشور قرار گرفته است. چین با ایجاد فرصت های سرمایه گذاری جدید، ارتباطات فزاینده با جامعه جهانی و کشورهای نفت خیز، صادرات و واردات در زمینه انرژی، مشروعیت سیاسی و اقتصاد خود را تقویت کرده است. پیامدهای این جنگ ها ایجاد نامنی در حوزه تأمین انرژی و افزایش قیمت حامل های انرژی خواهد بود.

**کلیدواژه ها:** راهبرد چین - دیپلماسی - انرژی - مصون سازی



**رضاشکری رفسنجانی:**  
دانش آموخته دکتری روابط بین الملل، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران، رفسنجان (نویسنده مسول)

Email:  
reza.shokri2112@yahoo.com



**جلال میرزایی:**  
استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان

Email:  
j.mirzaee@uk.ac.ir



**گلناز امجدی:**  
دانش آموخته دکتری روابط بین الملل، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران، رفسنجان

Email:  
amjadi.gotnaz@yahoo.com

کشور چین یکی از شگفت‌انگیزترین کشورها در طول تاریخ است. در این کشور در دهه ۱۹۶۰ میلادی بیش از ۴۵ میلیون نفر به خاطر گرسنگی از دنیا رفتند. اکنون کشور چین دومین اقتصاد جهان دنیا را دارد و پیش‌بینی می‌شود طی ۱۰ سال آینده به اولین اقتصاد دنیا تبدیل شود. این کشور همزمان با رشد صادرات و جذب سرمایه‌گذاری، به دومین واردکننده دنیا تبدیل شده است که نشان از تاثیر متقابل این کشور در توسعه جهانی می‌دهد. رشد بالا و مستمر اقتصادی در چین، قشر جدید ثروتمندی را ایجاد نموده که بر اساس آمارهای رسمی دولت چین بین ۱۳۰ تا ۱۵۰ میلیون نفر تخمین زده می‌شود. از طرفی یکی از مهمترین موضوعات نزد رهبران سیاسی پکن دیپلماسی انرژی است (christoffersen, ۲۰۱۶:۲۰). بازار وسیع و رو به رشد و پرپتانسیل ۴/۱ میلیارد دلاری چین فرصت‌های مناسبی را برای صادرات کشورهای جهان به این بازار را ایجاد کرده است. در سال ۲۰۱۷ تولید ناخالص داخلی چین در صنعت ۴۰ درصد، خدمات ۵۲ درصد و کشاورزی ۸ درصد تشکیل می‌دهد و در کل بیش از ۱۲۲۳۸ میلیارد دلار بوده است. نرخ تورم در کشور چین ۷/۲ درصد می‌باشد. چین به عضویت در بسیاری از سازمان‌های مهم بین‌المللی و منطقه‌ای در آمده است، از جمله: سازمان ملل با حق وتو، سازمان تجارت جهانی WTO، سازمان خواربار جهانی FAO، سازمان بهداشت جهانی WHO، بانک جهانی WB، صندوق بین‌المللی پول IMF، بانک توسعه آسیایی، سازمان همکاری‌های شانگهای، گروه ۷۷ کشور در حال توسعه، سازمان بین‌المللی کار، سازمان گمرکات جهانی و... حجم تجارت چین طی ۱۵ سال اخیر تقریباً ۵ برابر شده است، که تراز تجاری این کشور را مثبت کرده است. و در سال ۲۰۱۷ بیش از ۴۳۰ میلیارد دلار بوده است که حدود ۱۰ درصد تجارت جهانی را به خود اختصاص داده است. (تقریباً در یک دهه اخیر رشد ۵۰ درصدی داشته است). سرمایه‌گذاری خارجی در چین بیش از ۱۳۵ میلیارد دلار و سرمایه‌گذاری چین در خارج بیش از ۱۲۰ میلیارد دلار می‌باشد. افزون بر این برای دستیابی به جایگاه دومین مصرف‌کننده انرژی پس از ایالات متحده، رهبران سیاسی پکن را به این واقعیت رساند که سیاست تداوم رشد اقتصادی و توسعه صنعتی مستلزم ایجاد پیوندهای هم‌افزایی آن بین سیاست‌های خارجی و دیپلماسی انرژی است. دیپلماسی انرژی چین نه مرتبط با الزامات افزایش وابستگی اقتصادی و نه در جهت تغییر شکل نظم جهانی است؛ بلکه بر اساس حمایت از منافع ملی صورت‌بندی شده است (گولدر و لیانگ: ۲۰۱۶) برای جلوگیری از رویارویی دو کشور چین و ایالات متحده باید به همکاری و منافع متقابل تاکید کنند نه اینکه برای تامین انرژی وارد رقابت با یکدیگر شوند (جیمز تانگ: ۲۰۰۶) دیپلماسی انرژی از جمله شاخه‌های سیاست خارجی است که طی سال‌های اخیر، نه تنها در خصوص تغییر و تعیین مسیرهای بزرگ بازار انرژی جهان دخل و تصرفی ویژه داشته، بلکه از زمان شکل‌گیری جنگ اوکراین به این سو، به یکی از ابزارهای موثر دولت‌های صادرکننده و واردکننده منابع انرژی در جهان تبدیل شده است. به همین دلیل جنگ روسیه با اوکراین و توافق ایران و عربستان نیز که از مهمترین کشورهای صادرکننده نفت به چین می‌باشند برای دیپلماسی انرژی پکن مسئله‌ای است که با توجه به تحولات ژئوپلیتیکی شکل گرفته، به طور دائم در حال توسعه است.

## ۲- بیان مسئله

چین دومین قدرت اقتصادی در جهان است و در حال حاضر با توجه به رشد اقتصادی قابل توجهی که دارد عمده ترین واردکننده نفت خام محسوب می گردد. دیپلماسی انرژی از جمله شاخه های سیاست خارجی است که طی سال های اخیر، نه تنها در خصوص تغییر و تعیین مسیرهای بزرگ بازار انرژی جهان دخل و تصرفی ویژه داشته، بلکه از زمان شکل گیری جنگ اوکراین به این سو، به یکی از ابزارهای موثر دولت های صادر کننده و وارد کننده منابع انرژی در جهان تبدیل شده است. با شدت گرفتن جنگ اوکراین، تحریم های نفتی از جمله ابزارهای مهمی بود که اتحادیه اروپا و ایالات متحده علیه روسیه به اجر در آوردند. با توجه به این موضوع، برای تامین نفت خام به عنوان یکی از موتورهای محرکه اقتصادی چین، دولت چین نسبت به تامین امنیت انرژی اقدامات زیادی را انجام داده است، از جمله این اقدامات می توان به قراردادهای نفتی با عربستان، قطر، عراق و به ویژه ایران نام برد؛ حال سوالی که به ذهن متبادر می شود این است که راهبرد اصلی چین در عرصه دیپلماسی انرژی از جنگ روسیه با اوکراین و توافق ایران و عربستان چیست؟ روابط روسیه و امریکا در بحران اوکراین و نیز رقابت میان ایران و عربستان چه تاثیری در راهبرد چین گذاشته است؟

نظر به اهمیت موضوع مورد بررسی، این مقاله به تحلیل مهمترین ابعاد حمله روسیه به اوکراین و توافق ایران و عربستان از منظر امنیت انرژی چین پرداخته است. چینی ها از ابتدای جنگ اوکراین تاکنون سعی کرده اند به نوعی سیاست بی طرفی را اتخاذ نموده و در عمل، البته در کنار حمایت های مشروط از روسیه، تلاشی مضاعف برای حفظ سطح روابط فعلی نه چندان جذاب خود با غرب نیز داشته اند. چهارچوب تحقیق به این صورت است که پس از مقدمه در بخش دوم وضعیت بازار انرژی پس از حمله روسیه به اوکراین ارائه می شود، بخش سوم به تبیین جایگاه و مناسبات جهانی انرژی چین در توافق بین ایران و عربستان اختصاص دارد، بخش چهارم ملاحظات امنیتی انرژی مترتب چین بر موضوع ایران و عربستان مورد بررسی می پردازد و بخش پنجم جمع بندی و ارائه راهکار اختصاص دارد.

## ۳- پیشینه تحقیق:

مسعود شفاهی و دارابی در مقاله ای با عنوان «ابعاد و اهداف دیپلماسی انرژی چین» به نگرانی های عمده ای در زمینه انرژی و نقش آن در سیاست خارجی کشور چین پرداخته اند. یافته های آنها نشان می دهد که پکن در چارچوب دیپلماسی انرژی، سیاست مذاکره با مصرف کنندگان، ایجاد ذخایر استراتژیک و تلاش برای کاهش وابستگی به انرژی فسیلی را در پیش گرفته است تا پیشاپیش از خسارت های جبران ناپذیر ناامنی انرژی به اقتصاد در حال رشد خود بکاهد.

اسکوبل و نادر (۲۰۱۶) پژوهش مبسوطی درباره سیاست انرژی چین با توجه به روابط با

دو کشور ایران و عربستان انجام داده اند. آنها بر این باورند که به دلیل افزایش وابستگی انرژی و اقتصادی چین به منطقه، این کشور ممکن است نقش امنیتی بیشتری را در منطقه خاورمیانه ایفا کند.

#### ۴- چارچوب مفهومی: استراتژی مصون سازی

استراتژی مصون سازی مفهومی اقتباس شده از مباحث اقتصادی است که در سال ۱۹۴۰، توسط اقتصاد دانان مطرح شد و به مجموعه اقداماتی گفته می شود که ریسک سرمایه گذاری را کاهش می دهد. (Telci, Rakipoglu, Azimuth, ۲۰۱۲: ۲۱۸). پس از جنگ سرد، مفهوم مصون سازی در گفتمان روابط بین الملل برجسته گردید و به عنوان یکی از تاثیر گذارترین حوزه ها به ویژه در آسیا با توجه به پویایی های منطقه مورد توجه قرار گرفت. (Haacke, ۲۰۱۹: ۳۷۶). در حوزه روابط بین الملل، مفهوم مصون سازی بیشتر به تغییرات پویا در الگوهای رفتاری قدرت های بزرگ و پاسخ غیر مستقیم به تهدیدات امنیتی و رقابت قدرت ها اشاره دارد. (Ye, ۲۰۲۰: ۲۱۲). این راهبرد به عنوان استراتژی امنیت یا مصون سازی تعبیر می شود.

#### ۵- دیپلماسی، انرژی و امنیت

اختلاف بر سر منابع انرژی احتمال وقوع نبرد بر سر انرژی را افزایش داده است. همه کشورها چه تولید کننده و چه مصرف کننده نسبت این ماده حیاتی آسیب پذیر هستند، مصرف کنندگان نگران تامین عرضه اند در حالی که تولیدکنندگان امنیت فروش انرژی را برای اقتصادشان ضروری و حیاتی می دانند. در این شرایط هر گونه اختلال در حوزه انرژی می تواند آسیب های بسیار جدی به اقتصاد به هم پیوسته جهانی وارد ساخته و صحنه را برای جنگ آماده کند. امروز نفت، جنگ، دیپلماسی، اقتصاد و سیاست در یک محور قرار دارند و دارای ارتباط و پیوندی ناگسستنی هستند، بنابراین اهمیت نفت و گاز در سید انرژی و جایگاه انرژی در اقتصاد جهان موجب تعامل گسترده میان دو عرصه سیاست و انرژی شده است و بسیاری از رقابت ها و همکاری های بین المللی را تحت تاثیر خود قرار داده است. در عصر حاضر با توجه به اهمیت انرژی و جایگاه آن در اقتصاد و سیاست بین الملل این مقوله نیز به حوزه دیپلماسی وارد شده و در کانون سیاست خارجی کشورها قرار گرفته است. معمولاً از دیپلماسی به عنوان شیوه و ابزاری برای حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات و پرهیز از به کارگیری قدرت نظامی در حل تنش ها یاد می شود. دیپلماسی دانش ارتباط میان سیاستمداران و سران کشورهای جهان و وسیله ای است که سیاست خارجی با استفاده از آن از راه توافق به هدف های خود می رسد و بنابراین تعریف، آغاز جنگ شکست دیپلماسی است. به این ترتیب دیپلماسی، حول محور تفاهم بر سر موضوعات مشخص در حوزه تجارت، اقتصاد، فرهنگ، دین و یا سایر نیازهای جامعه جهانی قرار دارد و بر این اساس کشورها در روابط خود دیپلماسی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را

در دستور کار قرار می‌دهند. با توجه به گسترش اندیشه جهانی شدن و سرنوشت مشترک بشری، تلاش‌ها برای حل دیپلماتیک منازعات بیشتر شده است تا در هر شرایطی از بروز پدیده جنگ جلوگیری شود، در این چارچوب انرژی و شیوه‌های مسالمت‌آمیز تامین امنیت آن می‌تواند به عنوان یکی از جنبه‌های مهم و اساسی دیپلماسی قلمداد شود. بر این اساس می‌توان گفت دیپلماسی انرژی، برنامه‌ای است راهبردی، جامع و کارآمد که تعاملات بین‌المللی در حوزه انرژی را برای یک کشور مدون نموده و چارچوب کلی توافقات را روشن می‌سازد. (کی‌پور، ۱۳۹: ۱۳۸۸-۱۶۲) دیپلماسی انرژی چه برای مصرف‌کنندگان و چه برای تولیدکنندگان به منزله ایجاد فرصتی برای حداکثرسازی منافع ملی است. امنیت انرژی جز با همکاری بین‌المللی مقدور نیست و ما باید مفهومی جدید از امنیت انرژی را بر پایه همکاری و تفاهم مدنظر قرار دهیم (۴: ۲۰۰۷ qinhua).

## ۶- اهداف دیپلماسی انرژی چین

چین قصد دارد دیپلماسی انرژی خود را نه تنها بر اساس تئوری‌های قدیمی روابط بین‌الملل، بلکه جهان بینی نوین خود پایه‌گذاری نماید. دوام و مشروعیت سیاسی رهبران حزب کمونیست چین به توسعه اقتصادی و توانایی دست‌یافتن به موفقیت‌های اقتصادی این کشور بستگی دارد که در کادر رهبری پکن تحولات عظیمی ایجاد نموده است؛ به عبارتی کادر رهبری کمونیست چین با ایجاد اعتماد و پذیرش قاعده‌های حاکم بر نظام بین‌الملل برای جذب سرمایه و تکنولوژی در این کشور زمینه‌های رشد و توسعه را فراهم نموده است. محققان بر این باورند که رشد اقتصادی کشور در مراحل اولیه با رشد روزافزون تقاضا برای انرژی همراه است. در همین رابطه گریفین می‌گوید: «بنابراین هرچه سرعت رشد اقتصادی بیشتر باشد به تبع آن مصرف انرژی و سوخت‌های سیال نیز بیشتر رشد خواهند داشت (گریفین ۱۳۷۸: ۱۶۳) اکنون چین ۵۶ درصد انرژی مصرفی قاره آسیا و بزرگترین تولیدکننده انرژی جهان را به خود اختصاص داده است (۷: ۲۰۱۱ jian) آژانس بین‌المللی انرژی نیز پیش‌بینی کرده است تقاضای انرژی چین بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۳۵ حدود ۷۵ درصد افزایش یابد (۲۰۱۱-۲۰۱۰ china energy) در بخش نفت، چین با تولید ۳/۵ میلیون بشکه در روز ششمین تولیدکننده بزرگ نفت در جهان محسوب می‌شود. در واقع امنیت انرژی به معنای داشتن مقدار کافی منابع انرژی برای توسعه پایدار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی در جهت بقای سیستم‌های انسانی و محیطی است که دارای چهار بعد ذخایر استراتژیک، افزایش بهره‌وری انرژی، تنوع سوخت و تنوع واردات و مدیریت معاملات انرژی می‌شود (۱۶: ۲۰۱۱ jain). خرید گاز چین از بریتانیا و همچنین مواردی همچون تلاش پکن برای تنوع بخشی به سبد نفتی خود و واردات منابع انرژی مورد نیاز از کشورهای مختلف همسایه و غیر همسایه نشان‌دهنده سیاست بلندمدت چین برای ایجاد نوعی بازار رقابتی به سود خود است. وابستگی فزاینده به بازارهای جهانی بر نگرانی‌های مقامات حوزه انرژی در چین افزوده است؛ منابع داخلی این کشور محدود بوده و رشد بالای تقاضا، نارسایی زیرساخت‌ها را برای تامین نیاز

به انرژی آشکار کرده است (واعظی ۱۳۷۸: ۸) به همین دلیل چین در صدد قراردادهایی برای متناسب سازی واردات انرژی خود برآمد. دیپلماسی انرژی چین مبتنی بر دستیابی به منابع انرژی، سرمایه گذاری و انعقاد قراردادهای بلندمدت در بخش های بالادستی و پایین دستی کشورهای تولید کننده انرژی است و مناطق عمده نفت خیز جهان به عرصه حضور شرکت های چینی برای تولید و اکتشاف تبدیل شده اند. در حال حاضر شرکت های *nooc, sinopec, cnpc* در پروژه های بالادستی در آفریقا، خاورمیانه، آسیای مرکزی، آسیای جنوب شرقی، اقیانوسیه و آمریکای شمالی و جنوبی فعالیت دارند (پاکدامن، حاجی میرزایی، ۱۳۸۵: ۵۲) همچنین مبادلات گازی چین با کشورهای مختلف افزون بر افزایش قدرت اقتصادی، دیگر مولفه های قدرت ملی و منطقه ای این کشور را بهبود می بخشد و سبب ارتقای قدرت سیاسی و امنیتی چین می شود که می تواند تقاضای بیشتری برای نفت داشته باشد.

## ۷- استراتژی امنیت انرژی چین

جنگ اوکراین بخشی از مبارزه برای نظم جهانی جدید است. روسیه و چین آشکارا آمریکا و متحدانش را به چالش کشیده اند. مسکو و پکن به دنبال مدل کنسرت چند قطبی با مناطق نفوذ انحصاری هستند اما ایالات متحده با وجود عدم تمایل رو به رشد برای ایفای نقش پلیس جهانی، همچنان اکثریت آمریکایی ها نظم جهانی تک قطبی را رها نکرده اند و آمریکا با حمایت متحدین و شرکا به دنبال حفظ نظم موجود است، چین تأکید بر این موضوع دارد که بحران اوکراین بحرانی منطقه ای است و نه بین المللی و باید با سازو کارهای منطقه ای حل و فصل شود، در حالی که غرب معتقد است بحران بین المللی است. چینی ها از ابتدای جنگ اوکراین تاکنون سعی کرده اند به نوعی سیاست بی طرفی را اتخاذ نموده و در عمل، البته در کنار حمایت های مشروط از روسیه، تلاشی مضاعف برای حفظ سطح روابط فعلی نه چندان پایدار خود با غرب نیز داشته اند. علیرغم ظواهر امر و اتهامات وارد آمده از سوی مقامات غربی در خصوص حمایت همه جانبه چینی ها از مسکو، پکن تاکنون به هیچ عنوان نسبت به جنگ اوکراین و تحولات شکل گرفته نظام بین المللی در سایه این جنگ بی تفاوت نبوده و مهره های خود را در این صفحه شطرنج با دقت و حساب شده تکان می دهند.

سه مولفه مهم که در امنیت انرژی چین تاثیر گذار است عبارتند از: ۱- هراس از قطع ناگهانی جریان نفت که می تواند به کمبود شدید انرژی و افزایش چشمگیر قیمت ها منجر شود. ۲- آسیب پذیری چین در رابطه با نفت وارداتی که عمدتاً توسط نفت کش ها از طریق مناطق بی ثبات مانند خاورمیانه و سایر مناطق بالقوه بحرانی از جمله آسیای مرکزی و آفریقا تأمین می شود (بنابراین یکی از ماموریت های محوله به نیروهای دریایی چین تأمین امنیت انرژی کشور در رابطه با عبور نفتکش ها از گذرگاه های جهانی انرژی می باشد) (هادیان، ۱۳۷۸: ۷۵) ۳- احساس تهدید چین از سلطه استراتژیک آمریکا در خلیج فارس و سایر مناطق نفت خیز مهم که می تواند باعث شود آمریکایی ها در هر زمان از

تسلط خود بر مسیرهای مواصلاتی نفت در جهت جلوگیری از تامین نفت چین استفاده کنند. نگرانی‌های چین از این لحاظ به ویژه به دنبال افزایش حضور آمریکا در خلیج فارس، عراق و آسیای مرکزی تحت عنوان مبارزه و جنگ با تروریست گسترش بیشتری پیدا کرده است. (اخوان کاظمی، ۱۳۸۴: ۱۷۱) به همین دلیل پکن به ایجاد تنوع در توزیع جغرافیایی تامین کنندگان نفت خام وارداتی خویش و تعدد در راه های مواصلاتی نیز اقدام می‌نماید. در این میان عربستان با ۱۸ درصد، ایران ۱۳ درصد، عمان ۷ درصد و یمن ۵ درصد، عمده ترین کشورهای عرضه کننده نفت به این کشور هستند. همچنین ایران، عمان، قطر، امارات متحده عربی و عربستان از تامین کننده اصلی گاز چین در خاورمیانه محسوب می شوند. بنابراین می توان متوجه شد که چین قصد دارد دیپلماسی انرژی خود را نه تنها بر اساس تئوری های قدیمی روابط بین الملل، بلکه جهان بینی نوین خود پایه گذاری نماید. آنچه برای چین مهم است، تنوع بخشی به سبد نفتی، ایجاد وابستگی کشورهای صادر کننده نفت از طریق امضای قراردادهای بلند مدت و همچنین تشکیل نوعی بازار رقابتی بین تمامی فروشندگان برای فروش نفت بیشتر به پکن خواهد بود. این موارد را می توان به عنوان مولفه های اصلی چین در دیپلماسی انرژی این کشور دانسته که تقریباً در تمامی مقاطع زمانی هم صادق هستند.

## ۸- نقش انرژی در توسعه اقتصادی و سیاست خارجی چین:

مولفه های تاثیرگذار بر رشد انرژی چین: بخش صنعت، جمعیت و بخش خانگی است، به طوری که امروزه سیاست خارجی این کشور را بر پایه دیپلماسی «همه سویی» تعبیر می‌کند. در این رهیافت کاهش تنش در روابط چین با سایر کشورها و نیز توسعه مناسبات پکن با کشورهایی که در روند توسعه آن موثرند، از جایگاه برجسته‌ای برخوردار هستند. (کردیچه، ۱۳۸۴: ۱۰) بنابراین می‌توان گفت سیاست چین در محیط داخلی در چارچوب اصلاحات اقتصادی و در محیط خارجی در چارچوب تعامل گرایی و تاکید بر صلح و امنیت جهان از راه همکاری و بازی «برد برد» میان کشورها تاکید دارد. با توجه به نقش انرژی در روند رشد و توسعه اقتصادی چین، تعقیب دیپلماسی انرژی در متن سیاست خارجی این کشور جهت دستیابی به انرژی مطمئن، ارزان و فراوان قرار دارد. بر این اساس می‌توان گفت بین انرژی، اقتصاد و سیاست خارجی چین یک رابطه مستقیم برقرار است که اخلاص در روند هر کدام باعث تاثیر در بخش‌های دیگر می‌شود؛ به عبارتی می‌توان رابطه بین این سه مولفه را به سه ضلع یک مثلث تشبیه نمود.

کسب اعتبار و پرستیژ بین المللی از دیگر مزیت‌های تدارکات نهادی برای پکن است. چین به عنوان یک قدرت بزرگ باید تعهدات بین‌المللی بیشتری را اتخاذ و نظام اقتصادی بین المللی فعلی را بهبود بخشد (gennari ۲۰۱۶: ۸۳) افزایش قدرت نرم و خلق تصویری جذاب از دیگر مزیت رژیم سازی های جدید است که موجب تقویت ارتباطات افزاینده در حوزه انرژی و امنیت می‌شود. مطابق با این سیاست که متمرکز به رابطه با ایالات متحده آمریکا است، رهبران سیاسی پکن بر اصطلاحاتی چون «برد-برد»، «احترام متقابل»،



«حاصل جمع مثبت» را تاکید کرده اند. (Worthington ۲۰۱۲) البته برخی از تحلیلگران پکن را فاقد ظرفیت لازم برای به چالش کشیدن نظم جهانی انرژی و نقش آفرینی برجسته در اداره انرژی جهانی می دانند. در مقابل گروهی دیگر رفتار چین را شفاف تر، مسئولانه تر، قابل درک تر و پیش بینی پذیر تر می دانند که می تواند با ایجاد قوانین جدید، یک نظم جهانی نو ایجاد کند (Christoffersen ۲۰۱۶:۱۸) در نتیجه دیپلماسی انرژی را می توان قرار دادن انرژی در برنامه سیاست خارجی به منظور کنترل سیاسی بیشتر بر فعالیت های انرژی در خارج از کشور و مشارکت موثرتر در حکمرانی جهانی تعریف کرد. هر قدر چین سرزمین کسب کند، روسیه و آمریکا به طور عمده سرزمین از دست می دهند که ممکن است در آینده به درگیری های سیاسی بیانجامد.

## ۹- چین و متنوع سازی واردات و توسعه همکاری با تولیدکنندگان انرژی

قراردادهای چینی ها با کشورهای آسیایی، حاکی از آن است که کشورهای این منطقه گرایش بیشتری نسبت به چین در مقایسه با غرب و در برخی مواقع روسیه دارند، زیرا چینی ها همانند غربی ها این کشورها را برای رعایت مسائل حقوق بشر و دموکراسی تحت فشار قرار نمی دهند و حکومت های آسیای مرکزی با امنیت خاطر نسبت به دوام و ثبات نظام سیاسی شان، روابط سیاسی و اقتصادی خود را با چین گسترش می دهند. در این منطقه، وابستگی متقابل میان تولیدکنندگان انرژی و چین به عنوان مصرف کننده عمده، قابل مشاهده است. چین امنیت انرژی خود را با ایجاد وابستگی متقابل اقتصادی، امنیتی و سیاسی اقتصادی در کشورهای آسیای مرکزی تامین کرده است. (شریعتی نیا، ۱۳۸۵) دولت چین در جهت کاهش وابستگی به منابع انرژی یک منطقه خاص، سیاست متنوع سازی منابع وارداتی را در پیش گرفته و تلاش کرده است با هر یک از این مناطق ارتباطات دیپلماتیک برقرار کند. دیپلماسی انرژی و شفاف نبودن پکن در سیاستگذاری انرژی مشکلاتی را برای مدیریت جهانی ایجاد کرده است؛ در واقع نفت خاورمیانه به دلیل منابع و هزینه کمتر واردات برای چین مقرون به صرفه است. چین اکنون به انعقاد قراردادهای درازمدت با ایران و عربستان به عنوان دو شریک عمده خود در منطقه روی آورده است، در همین راستا پکن وارد شبکه ای از موافقتنامه های دوجانبه با ایران شده است، چشم انداز استراتژیک این سرمایه گذاری ها به این معناست که چینی ها در حال تقویت تاثیر مثبت خود در تهران به عنوان یک خریدار طولانی مدت انرژی هستند، و این در حالی است که ایران تحت فشار ایالات متحده با محدودیت یافتن جایگزین برای چین مواجه است (Leverett & Bader, ۲۰۰۵: ۱۹۲) علاوه بر ایران، با عربستان نیز موافقتنامه هایی در زمینه تامین انرژی در دراز مدت به امضا رسانده اند. موافقتنامه همکاری نفتی میان چین و عربستان فاز جدیدی از تلاش های چین در راستای توسعه روابط استراتژیک با عربستان است. کاهش سطح روابط آمریکا و عربستان بعد از ۱۱ سپتامبر چین را به عنوان شریک عمده نفتی عربستان مطرح کرد. عربستان علاوه بر صدور نفت روزانه به چین، تغذیه بخشی از ذخایر استراتژیک چین را بر عهده گرفته است. (شریعتی نیا، ۱۳۸۶: ۶۷۲)

چینی‌ها با ملاحظه کشورهای توسعه نیافته و فقر در قاره آفریقا با استفاده از اهرم کمک‌های بلاعوض توانسته‌اند اعتماد دولت‌های آفریقایی تولیدکننده نفت را به خود جلب و قراردادهای طولانی مدت با این کشورها امضا کنند. (Qinnhuna, ۲۰۰۷: ۵)

## ۱۰- انعطاف پذیری سیاسی چین و ایجاد ذخایر استراتژیک

واقعیت غیرقابل انکار این است که نظم جهانی در حوزه انرژی به‌ویژه در زمینه مرتبط با سوخت‌های فسیلی، در حال تغییر ماهوی است و این امر بازارهای مالی سوخت‌های فسیلی را نیز دچار دگرگونی می‌کند. منظور از انعطاف‌پذیری چین پرهیز از رویارویی مستقیم با آمریکا است که در این زمینه مذاکراتی نیز با آمریکا انجام شده است. پس از آنکه بحران ۱۹۷۳ مصرف‌کنندگان عمده غربی را به فکر ایجاد ذخایر استراتژیک انداخت چینی‌ها هم با افزایش وابستگی به واردات و نگرانی از قطع احتمالی جریان نفت تصمیم به ایجاد ذخایر انرژی گرفتند. کشورهای تولیدکننده انرژی نیاز استراتژیک چینی‌ها به انرژی (که موتور اقتصاد در حال رشد و بنیان نظام سیاسی این کشور محسوب می‌شود) را مرتفع می‌سازند و چینی‌ها سرمایه، فناوری و کالاهای مورد نیاز این کشورهای اغلب جهان سومی را فراهم می‌کنند.

## ۱۱- دیپلماسی انرژی چین در آسیا و خاورمیانه:

دیپلماسی انرژی چین به عنوان روشی دیپلماتیک برای استفاده از انرژی، ذخایر، یا مسیرهای انرژی به منظور به حداکثر رساندن منافع مرتبط با آن در روابط دوجانبه، چند جانبه، منطقه‌ای و جهانی تعریف می‌شود به عبارتی این مدل از دیپلماسی با استفاده از جنبه‌های مرتبط با انرژی از توانمندی‌های ملی برای تقویت قدرت چانه زنی کشور در رژیم‌های بین‌المللی استفاده می‌کند. (karagul and baba, uludag, ۲۰۱۳: ۱۰۲)

چین با یک میلیارد و سیصد میلیون نفر جمعیت سالانه حجم زیادی انرژی مصرف می‌کند و طبق آمار آژانس بین‌المللی انرژی در سال ۲۰۰۹ به بزرگترین مصرف‌کننده انرژی در جهان تبدیل شده است. (b.p. ۲۰۱۱: ۴۱) زغال سنگ ۷۰ درصد، نفت حدود ۲۰ درصد، گاز و انرژی هسته‌ای و برق نیز ۱۰ درصد انرژی مصرفی سالانه چین را تشکیل می‌دهند. غنای ذخایر نفتی خاورمیانه و نزدیکی آن به خاک اصلی چین همچنان پکن را به نفت این منطقه وابسته نگه داشته است و هنوز بیش از ۵۰ درصد نیازهای نفتی چین از این منطقه تامین می‌شود ((duesk and kairouz, ۲۰۱۷) با توجه به استمرار و رونق اقتصادی پکن، آژانس بین‌المللی انرژی پیش‌بینی کرده است که تا سال ۲۰۳۰ واردات نفت چین از این منطقه دو برابر خواهد شد. به طور کلی متغیرهای اصلی شکل دهی به سیاست خاورمیانه‌ای چین در وضعیت فعلی را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: ۱- به دست آوردن سهمی از بازارهای مصرفی برای کالاهای چینی ۲- تامین ذخیره استراتژیک انرژی ۳- فروش سلاح و جنگ افزارهای نظامی به کشورهای منطقه، ۴- ایفای

یک نقش توازن‌گر در منطقه (توسعه نفوذ) (شریعتی نیا، ۱۳۸۵)

از طرفی عربستان و ایران را می‌توان مهم‌ترین کشورهای صادر کننده انرژی در خاورمیانه به چین نام برد. (۲۰۱۶: li and yuwen) برای مثال عربستان سعودی بزرگترین شریک تجاری چین از غرب آسیا تا شمال آفریقا است و بر اساس تحقیقات به عمل آمده تا ۱۵ سال آینده بزرگترین منبع اطفای عطش فزاینده اقتصاد چین برای انرژی خواهد بود، همچنین به گزارش رویترز با استناد به داده‌های گمرک در سال ۲۰۱۹ واردات نفت چین از عربستان سعودی ۴۷ درصد افزایش یافته است (۲۰۲۰: sertin). این حجم از معادله گویای ارتباط مستقیم تجارت و تقاضا روبرو شد چین برای نفت و گاز است. رهبران پکن به روشنی اعلام کردند که منابع اقتصادی قابل توجه پکن و ظرفیت آن به عنوان ابزاری کلیدی برای حفظ ثبات منطقه‌ای است و می‌تواند یک نظم منطقه‌ای جدید را ایجاد کند (۲۰۱۷:۲ cai) هدف از این پروژه «توسعه مشترک و موفقیت متقابل» است، به طور خاص تر هدف این طرح در این سند ارتقاء اتصال به زیرساخت‌های انرژی، همکاری در جهت افزایش اطمینان و امنیت خطوط نفت و گاز و دیگر راه‌های حمل و نقل و ایجاد شبکه‌های حمل و نقل جدید با همکاری کشورهای منطقه‌ای بیان شده است (۲۰۱۵: ndrc) برخی معتقدند که رهبران چین تلاش خواهند کرد تا فرصت‌های تجاری و اقتصادی جدیدی را برای چین و تمامی کشورهای عضو این ابتکار ایجاد کنند؛ به ویژه منطقه آسیای مرکزی به دلیل منابع انرژی غنی و ایجاد ارتباط با غرب که می‌تواند رونق اقتصادی چین را تضمین کند (۲۰۱۷: dusek and kairouz) برخی هم این دیدگاه را مطرح می‌کنند که این ابتکار فرصتی برای چین در زمینه صنایع ساخت و ساز پروژه‌های زیربنایی فراهم خواهد کرد (۲۰۱۷:۳۲ miller) که این ابتکار می‌تواند به عنوان یک ابزار استراتژیک برای مقابله با دخالت آمریکا در آسیا مورد استفاده قرار گیرد و نشانه‌هایی وجود دارد که برخی از متحدان منطقه‌ای در حال حاضر نسبت به مسائل مربوط به رهبری اقتصادی به پکن گرایش دارند (۲۰۱۷: gai)

وابستگی به واردات نفت و گاز بزرگترین مشکل چین در تامین انرژی مصرفی است. اکنون هرگونه اختلال در عرضه انرژی و افزایش قیمت آن اسباب نگرانی چینی‌ها را فراهم می‌سازد. حال سوال اصلی این است که چین چگونه امنیت انرژی خویش را تامین می‌کند؟ اینکه چین با توجه به رویکرد عمل‌گرایانه و واقع‌گرایانه خود در صدد است ضمن پرهیز از برانگیختن حساسیت کشورهای قدرتمند، به کشورهای صادر کننده انرژی نزدیک شود و با سرمایه‌گذاری کلان در این کشورها میزان آسیب‌پذیری خود را در عرصه واردات انرژی کاهش دهد. ابتدا با توجه به نقش حیاتی انرژی در شکوفایی اقتصادی و تداوم مشروعیت نظام سیاسی چین به اهداف و نگرانی‌های این کشور در تامین امنیت انرژی پرداخته می‌شود.

## ۱۲- جنگ اوکراین و منافع آن برای چین

گرچه چین نیاز به انرژی دارد اما شرایط بدون تنش را برای رسیدن به اهداف کلان خود ترجیح می دهد و تاکنون بحران ها را به بهترین شکل به فرصت تبدیل کرده است. این جنگ زمینه نفوذ و یکه تازی چین بر قلمرو اصلی اوراسیا، آسیای مرکزی و قفقاز، که غنی ترین منبع انرژی جهان پس از خاورمیانه را دارد مساعد می سازد. از سوی دیگر، واشنگتن و متحدین اش به دلیل مشغولیت در اوکراین، و به خاطر جلوگیری از درگیری در دو جنگ به صورت همزمان، فشارها بر پکن را کاهش خواهند داد، و نتیجتاً چین با خاطر آسوده اهداف منطقه ای خود را در شرق آسیا دنبال خواهد کرد. جنگ اوکراین برای چین برکات زیادی داشت، این جنگ باعث شد تفکر واقع گرایی به عرصه بین الملل بازگردد؛ از جمله اینکه چین که از سوی دولت های غربی تحت فرایند امنیتی سازی قرار داشت و سعی می شد به عنوان یک خطر و تهدید جهانی مطرح شود، به حاشیه رفت و امروز فرایند امنیتی سازی علیه روسیه در حال انجام است. از نظر آمریکا نظم فعلی بین المللی، حاصل جنگ جهانی دوم و جنگ سرد است و چین یکی از کشورهایی است که به دنبال تغییر و برهم زنده نظم فعلی جهانی معرفی می کند. نکته دیگر بهم خوردن و گسست اجماع بین روسیه و غرب در عرصه جهانی، چین را به یک بازیگر فوق فعال در جهان بدل ساخت. در واقع روسیه که در گذشته با غربی ها تعامل داشت و گاز اروپا را در ازای ده ها میلیارد یورو در سال تامین می کرد امروز متوجه شده است که تا دهه ها نمی تواند گسل های عمیق ایجاد شده میان خود را با بلوک غرب ترمیم کند و مجبور است در روابط نظامی و تجاری، دست نیازش را به سوی چین و سایر کشورهای شرقی همچون هند و پاکستان دراز نماید. همچنین فرسایش توان اقتصادی، صنعتی و نظامی بلوک غرب و روسیه در نتیجه جنگ اوکراین، از دید یک رئالیست به سود چین خواهد بود، زیرا تضعیف قدرت های جهانی درگیر در بحران اوکراین، خود به خود موجب افزایش تاثیر گذاری قدرت چین در معادلات پس از این جنگ در عرصه بین الملل می گردد. در پایان باید گفت منافع جنگ روسیه علیه اوکراین برای چین بسیار بالا ارزیابی می شود چراکه به تضعیف نظام تک قطبی و گذار به نظام دوقطبی کمک می نماید. نباید فراموش کرد عمده تحلیلگران روابط بین الملل از جمله کنت والتز، نظام تک قطبی را به دلایل مختلف نمی پسندند و نظام دوقطبی را برای پایداری ساختار بین الملل ترجیح می دهند.

با شروع جنگ اوکراین، روسیه برای کاهش آثار تحریم های اتحادیه اروپا تمرکزش را بر فروش نفت به هند و چین با ارائه تخفیف های فراوان شایان توجه قرار داده است. روند تخفیف نفت خام روسیه و مشخصات نفت صادراتی این کشور که نزدیک به نفت صادراتی ایران است زنگ خطر جدی برای صادرات نفت ایران به ویژه در بازار چین است که کاهش فروش نفت ج.ا.ا از پیامدهای آن است. مرکز خدمات پژوهشی پارلمان اروپا مدعی است رفتار ملایم چین درخصوص جنگ اوکراین، نشانگر تقسیم کار و مواضع این کشور با روسیه و اطلاع پکن از زمان جنگ اوکراین بوده است. این مرکز مدعی شده است مواضع ملایم پکن در جنگ اوکراین ناشی از دریافت ضمانت هایی از روسیه برای حمایت از حاکمیت چین بر تایوان است. نکته مهم دیگر این است که چین سودای رهبری جهان را

در سر دارد، و به عنوان قدرت بزرگ ظرفیت و توانایی آن را در خود می بیند. برای چین، هند و ترکیه، نفت روسیه با تخفیف بسیار بالا عرضه می شود و با توجه به شرایط حاکم بر بازار گاز اروپا، روسیه تمرکز اصلی خود را بر صادرات گاز به چین به عنوان شریک استراتژیک خود قرار داده است.

### ۱۳- چین و اثرات راهبردی توافق ایران و عربستان

آنچه چین می خواهد، تعریف خود در قالب یک ابر قدرت تاثیرگذار در جهان و منطقه داشتن ثبات سیاسی و اقتصادی و تبدیل شدن به کشور اول و راهبر اعراب در حوزه انرژی و اقتصاد است. برگزاری نشست های محرمانه پکن در منازعه با آمریکا، جز عواید سیاسی که برای چین دارد، چین را در قامت یک مصلح بین المللی در نزاع بین قدرت ها و شکل گیری قطب های جدید سیاسی مطرح و تضمین های اقتصادی چنین توافقاتی را به ذهن متبادر می سازد، کما اینکه چین به تضمین امنیت سیاسی و انرژی در منطقه و جهان بشدت نیازمند است و البته از حضور حداکثری عربستان در جبهه غرب نیز هراس دارد و می داند توافق ایران و عربستان، به همان میزان که آرامش و امنیت انرژی در خلیج فارس را برای غرب تامین می کند برای چین نیز همین امر را میسر می سازد و این توافق چین را قادر می سازد تا با دست پرتر و با یک برگ برنده واقعی با آمریکا و اروپاییها روبه رو گردد. جنگ روسیه در اوکراین و تحریم انرژی ایران از سوی آمریکا، مسئولان چینی را بر آن داشته است تا هر چه بیشتر به سمت جایگزین های متعبرتر بروند. عربستان در نگاه آنها می توانست امنیت انرژی آنها را تأمین کند؛ اما مشکلی در اینجا بوده و آن هم اینکه زیرساخت های انرژی عربستان توسط پهپادهای حوثی ها که متحد ایران هستند مورد حمله قرار می گرفت

### ۱۴- علت وساطت چین در توافق بین ایران و عربستان:

کشور چین کشوری است که معمولاً در مناقشات سیاسی وارد نمی شود و سیاست عدم دخالت را در پیش می گیرد. ۱۶ آذر ۱۴۰۱ شی جین پینگ رئیس جمهور چین به عربستان سفر کرد و توافقاتی با کشور عربستان امضا شد که به زعم برخی به منزله قربانی کردن ایران توسط چین بود، چین برای رفع این سوء تفاهم که ناشی از سیاست های اقتصادی اش بود، باید اقدامی انجام می داد تا علاوه بر حفظ توافقات گذشته، روابط با هر دو کشور را گسترش دهد و اعلام کرد این توافق یک توافق سه جانبه است نه دو جانبه. زیرا چین به عنوان مرجع تضمین این توافق است. در سال ۱۳۸۱ شمسی توافقی بین ایران و عربستان انجام شد که به سرانجام نرسید؛ این بار چین قصد دارد برای ثبات و پایداری این توافق مرجع تضمین باشد تا به سرانجام برسد، زیرا با استناد به تجربه قبلی ممکن است بدون تضمین چه بسا با کوچکترین مانع دوباره سرنوشت این توافق مانند توافق سال ۱۳۸۰ شود. این توافق پیروزی دیپلماتیک در منطقه برای چین است، چین می خواهد ثابت کند

که جهان به مسئله اوکراین محدود نمی‌شود و کلید دوران پساآمریکا در منطقه توسط چین به عنوان یک قدرت اثرگذار زده شود.

## ۱۵- دستاوردهای چین از وساطت توافق بین ایران و عربستان:

- احسان صادقی کارشناس حوزه چین در گفتگو با خبرگزاری تسنیم، با بیان این‌که چین با یک نگرش راهبردی به دنبال توافقنامه میان ایران و عربستان بود، اظهار داشت چین در «خاورمیانه نوین» نقش جدیدی برای خود تعریف کرده است، او در همین زمینه به ۴ نکته برای درک نگرش راهبردی چین اشاره می‌کند:

۱- مانور دیپلماتیک و اقتصادی چین برای مقابله با هژمونی آمریکا

۲- با کاهش اهتمام آمریکا به منطقه خاورمیانه، چین تلاش می‌کند خلأ دوران آمریکا را پر کرده و فصل جدید «عصر پساآمریکاگرایی» را در منطقه رقم بزند. (این توافق زمینه برای تاثیر چین در منطقه را فراهم می‌کند، منطقه‌ای که بعد از جنگ جهانی دوم تحت نفوذ و سیطره آمریکا بود).

۳- شیفیت کنش‌گری چین، به طوری که ذیل چتر رژیم امنیتی آمریکا کار نکنند و به دنبال رژیم‌سازی امنیتی و سیاسی باشد. (یکی از دلایل اصلی ورود چین به این توافق، علی‌رغم رفتارهای قبلی چین که در سیاست خارجی در مناقشات سیاسی بین کشورها دخالت نمی‌کرد در واقع سلی می‌محکم چین به آمریکا و دولت بایدن است که می‌خواهد ثابت کند چین یک قدرت رو به رشد است و به دنبال جایگزین شدن به جای آمریکاست).

۴- دیپلماسی چین در منطقه، ابزاری برای تعمیق نفوذ و تجاری (روابط چین و آمریکا در موضوعات تجارت، تکنولوژی و جاسوسی دچار تنش شده است و این دو کشور در تلاش‌اند تا در فضای رقابتی و خارج از مرزهای خودشان نفوذ و تأثیر خود را گسترش دهند).

بر اساس تحقیقات موسسه ASPI که یکی از زیرمجموعه‌های ارتش ایالات متحده است. چین در ۳۷ مورد از ۴۴ شاخص‌های علمی مهم در جهان در رتبه اول است و پیشرو در تولید علم است. چین ابرقدرتی که همه کشورها در پی ارتباط اقتصادی با او هستند. چین در علوم هوش مصنوعی، بیوتکنولوژی، تولید مواد پیشرفته و سیستم‌های کوانتومی پیشرو است و در ۱۰ یا ۱۵ سال گذشته، چین سعی کرده در این موارد به رتبه اول برسد. انتظار می‌رود این کشور ظرف ۱۰ سال آینده در سایر زمینه‌ها نیز پیشتاز شود و با سرنگونی آمریکا در بیشتر زمینه‌ها به بزرگترین انحصار علمی تبدیل شود. چین به خاطر منافع خودش به دنبال صلح در خاورمیانه است نه مثل آمریکایی‌ها که به دنبال ایجاد بی‌ثباتی

## ۱۶- نکاتی درباره توافق ایران و عربستان در چین

- چین بزرگترین شریک تجاری ایران و عربستان سعودی است. حجم تجارت چین با ایران در سال ۲۰۲۱ حدود به ۱۵ میلیارد دلار بود. عربستان هم از سال ۲۰۲۰ بزرگترین شریک تجاری چین در منطقه غرب آسیا شد و مبادلات تجاری سعودی و چین در سال ۲۰۲۱ به ۸۷.۳ میلیارد دلار رسید.
- عربستان بزرگترین منبع تامین نفت چین است. از طرفی طبق توافق راهبردی ۲۵ ساله، چین در قبال خرید نفت ایران، قریب به ۵۰۰ میلیارد دلار در زمینه های زیرساختی نظیر خطوط ریلی، بنادر خشک و آبی، کشت و صنعت باید سرمایه گذاری کند؛ پس منافع تهران، ریاض و پکن در وجود خلیج فارسی امن است.
- هرچند در سال های گذشته با توجه به مناسبات قدرت های سیاسی و شرایط بازار، عربستان سعودی در حال عمیق تر کردن استراتژی خود با چین است اما این توافق باعث شد بزرگترین رقیب ایران و بزرگترین متحد آمریکا در غرب آسیا به واسطه چین (بزرگترین رقیب جهانی آمریکا) بدون دخالت واشنگتن توافق کند.
- خنثی سازی سیاست های تحریمی علیه ایران و چین.
- ایجاد زمینه خروج آمریکا در منطقه و فراهم شدن شرایط جهت خروج منطقه از سلطه بیگانگان بعد از چند صد سال.
- افزایش امنیت در منطقه. دومین اقتصاد بزرگ جهان به نفت و گاز خارجی بسیار وابسته است. بر اساس آمار رسمی، ۷۲ درصد از مصرف نفت این کشور در سال گذشته وارداتی است. ۴۴ درصد از تقاضای گاز طبیعی این کشور نیز از خارج از کشور تأمین شده است

سه پیام توافق ایران و عربستان برای آمریکا از نگاه آرون دیوید میلر تحلیل گر اندیشکده کارنگی در حوزه سیاست خارجی:

۱. ایالات متحده اکنون با چینی روبرو است که به طرز ماهرانه ای در خاورمیانه بازی می کند و از امنیت منطقه بهره می برد. نزدیکی بیشتر پکن با کشورهای منطقه، یک بازی برد و باختی را در رقابت با ایالات متحده ایجاد می کند.
۲. این توافق نتیجه تصمیم دولت های متوالی آمریکا برای کاهش اهمیت خاورمیانه و اولویت دهی به نفع اقیانوس آرام است که فرصت های جدیدی را برای چین و روسیه ایجاد کرد.
۳. بنا به گفته فرید زکریا اگر همین گونه جایگاه دلار تضعیف شود، آمریکا به چنان حال و روزی گرفتار می شود که تاکنون به خود ندیده است. چین یوان دیجیتال را

با تاریخ انقضاء معرفی می کند. این یک ابزار عالی برای تقویت اقتصاد و در عین حال بدون امکان پس‌انداز کردن برای مردم است و مردم مجبور خواهند شد به صورت اعتباری زندگی کنند و همزمان به بردگی دیجیتال و مالی بیفتند.

### نتیجه گیری:

- دیپلماسی انرژی جدید چین به درجه ای از بلوغ رسیده که بر اساس آن، آینده اقتصادی هر کشور نفتی از شرق گرفته تا غرب جهان، تنها در دستان پکن خواهد بود. با این توافق چین بازار انرژی خود را تضمین می کند، زیرا روابط دو کشور ایران و عربستان به قراردادهای این دو کشور با کشور چین گره زده شده است. واقعیت این است که چین با جدیت در نظر دارد که قوانین جاری و حاکم بر بازار جهانی انرژی را بازنویسی کند. وسعت بزرگی بازار و اقتصاد چین این کشور را به یکی از بزرگترین کشورهای وارد کننده جهان تبدیل کرده، به طوری که در سال ۲۰۰۹ این کشور مقام دوم وارد کننده جهان که بیش از ۱۰۰۰ میلیارد دلار از جهان واردات داشته است، این رقم در سال ۲۰۱۷ بیش از ۸۰ درصد رشد داشته و به ۱۸۴۰ میلیارد دلار رسیده است؛ بنابراین چین به همان میزان که یکی از بزرگترین صادرکنندگان جهان محسوب می شود، در عین حال به منظور تامین نیازهای مصرفی، تولیدی، صنعتی و خدماتی ۱/۴ میلیارد نفری خود لاجرم نیازمند واردات انرژی از کشورهای دیگر می باشد. در بخش تحولات جهانی، چین با زمینه سازی برای خلق یک تحول عظیم در تجارت جهانی انرژی و خرید نفت و گاز از کشورهای عربستان، ایران، ونزوئلا، روسیه و برخی از کشورهای آفریقایی به واحد پول رسمی چین و تلاش برای ایجاد یک شبکه امنیتی مالی از طریق دلارزدایی از تجارت خارجی، از جمله مقدمات این تحول بوده است. از سوی دیگر چین به واسطه توفیق شرکت های تولیدکننده باتری های الکتریکی در توسعه فناوری و کنترل زنجیره تأمین و نیز به دلیل کمبود مواد خام مانند نیکل و لیتیوم در سطح جهان و قیمت بالای آنها، توانسته ضمن پیشی گرفتن از ژاپن و کره جنوبی، نیمی از سهم بازار در حوزه باتری های الکتریکی را تصاحب کند. در سوی دیگر، عربستان با استفاده از فرصت رخ داده در پی جنگ روسیه و اوکراین، سرمایه گذاری مشترکی را با چین در حوزه تولید مواد شیمیایی پیشرفته برنامه ریزی کرده تا بتواند موقعیت جهانی خود را در بازار نفت ارتقا دهد. حذف روسیه از بازار اروپا و تبدیل آن به منبع تأمین انرژی چین نیز منافع بی شماری برای چین به همراه داشته است. جمهوری اسلامی ایران می تواند با مطالعه و شناخت کم و کیف تقاضا در بازار چین و استفاده از پتانسیل های صادراتی خود به این کشور، علاوه بر افزایش صادرات محصولات پتروشیمی و معدنی، صادرات محصولات با ارزش افزوده نظیر فرش دستبافت و ماشینی، صنایع دستی، گیاهان دارویی و مواد غذایی به این بازار بهره برد و در کشور ایجاد اشتغال کند. همچنین توافق ایران و عربستان توسط چین در قالب سه سطح تحلیل بین المللی، منطقه ای و ملی نتیجه گیری می شود:

۱- بین المللی: نظام بین الملل در سال ۲۰۲۳ قابل مقایسه با ۲۰ سال پیش نیست که



امریکا بتواند از آن سوی کره خاکی لشکرکشی کرده و اقدام به اشغال نظامی کشوری مستقل در غرب آسیا نماید. اکنون در نظام بین‌الملل سایر قدرت‌های جهانی اعم از چین و روسیه در مناطق مختلف جهان منافع برای خود تعریف کرده‌اند و در راستای تحقق این منافع از ابزارهای متفاوتی استفاده می‌کنند. چین در منطقه غرب آسیا برای خود منافع اقتصادی تعریف کرده است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به امنیت انرژی اشاره کرد. چین که قبل از این خود را بازیگری صرفاً اقتصادی معرفی می‌کرد، اکنون به منظور نیل به منافع اقتصادی خود با میانجیگری بین روسیه و اوکراین و همچنین ایران و عربستان برای بهبود روابط فی مابین دو کشور، عملاً در راستای کاهش تنش در منطقه غرب آسیا و پایداری جریان انرژی حرکت کرده و خود را به عنوان قدرت جهانی که در مناطق مختلف اقدام به بازیگری سیاسی می‌کند به منصف ظهور رسانده است. توافق اولیه بین ایران و عربستان به منظور برقراری مجدد روابط سیاسی را می‌توان به نوعی تغییر در موازنه قوا بین قدرت‌های بزرگ در نظام بین‌الملل قلمداد کرد و نتیجه آن عبارت است از افول قدرت هژمونیک امریکا در عرصه نظام بین‌الملل و ظهور چین به عنوان قدرتی تأثیرگذار در مناسبات جهانی.

۲- منطقه‌ای: رابطه بین ایران و عربستان به عنوان دو کشوری که داعیه رهبری جهان اسلام در منطقه غرب آسیا را دارند بعد از انقلاب اسلامی ایران همواره دچار فراز و نشیب بوده است. در طول یک دهه گذشته اتفاقاتی را که مابین دو کشور افتاده می‌توان از آنها به مثابه بازی باخت-باخت یاد کرد. از جنبه‌های مهم توافق ایران و عربستان، باز شدن سفارتخانه‌ها در دو کشور پس از ۷ سال می‌باشد که کشور چین نقش بسیار زیادی را ایفا می‌کند.

۳- ملی: ولیعهدی ملک سلمان در عربستان و روی کار آمدن دولت سیزدهم ج.ا.ا همواره بر سیاست همگرایی مثبت با همسایگان در عرصه سیاست خارجی تأکید کرده اند. ابتکار عمل در انجام چند دور مذاکره مستقیم با عربستان برای حل مشکلات فیما بین که به توافق پکن منجر شد، دربردارنده نتایج مثبتی خواهد بود. با این توافق، سایه جنگ و رویارویی مستقیم نظامی را از سر دو کشور دور کرد. چین سعی دارد در زمانی که تحریم‌ها علیه ایران در حال گسترش است، برای رهایی ایران از دام تحریم‌های آمریکا و اروپا ورود پیدا کند، ایران نیز در تلاش است با استفاده از ظرفیت چین تحریم‌ها را خنثی کرده تا سیاست‌های انزوایلی که آمریکا برای ایران دارد را درهم شکند. کشور چین نیز برای اثبات قدرت خود به منطقه و جهان رفتارهای مشابهی هم داشته است، در همین راستا چین خواستار میانجیگری بین روسیه و اوکراین نیز شده است تا نقش یک ابرقدرت را به جای آمریکا در منطقه بازی کند و سعی دارد در یک اقدام ابتکاری و دیپلماتیک قوی، فرمان میانجیگری بین روسیه و اوکراین را در دست بگیرد تا شروع جابجایی قدرت در منطقه به نفع چین را رقم بزند.

## راهبردهای زیر برای دیپلماسی انرژی چین توصیه می شود:

۱- به کارگیری دیپلماسی فوق فعال انرژی چین برای حفظ تولید کنندگان راهبردی نفتی از جمله ایران، عربستان و روسیه (مهمترین عامل بر هم زدن ثبات تامین انرژی چین اقدام جدید اتحادیه اروپا یعنی تحریم نفتی روسیه است، دومین عامل ناکافی بودن جایگزین های نفت روسیه است، سومین عامل تقاضای بالای جهانی برای نفت است).

۲- با توجه به نظم جدید بازار گاز، برنامه ریزی برای تولید و واردات ال ان جی در میان مدت است (حمله روسیه به اوکراین بر اهمیت بازار انرژی به عنوان جایگزین جدی انتقال گاز با خط لوله افزوده است؛ هم اکنون در نظم جدیدی که در صادرات گاز شاهد آن هستیم، سهم صادرات گاز به صورت ال ان جی نسبت به صادرات گاز با خط لوله در حال افزایش است، مزیت صادرات گاز به صورت ال ان جی مانند تنوع بازارهای فروش، امکان فروش در بازارهای دوردست و انعطاف پذیری قیمتی بر کسی پوشیده نیست). «جوزپ بورل» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در نامه خصوصی خود به وزیر خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا کلیات این مطالب را تصدیق کرده و هشدار داده است که برنده جنگ اوکراین نه روسیه خواهد بود و نه اروپا، بلکه این جنگ تنها یک برنده خواهد داشت و «چین قوی» است که به لطف ادامه درگیری میان اروپا و روسیه و تضعیف هر دو طرف جنگ، شکل خواهد گرفت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع :

۱. جکسون، رابرت و سونسون، گئورگ (۱۳۹۱)، درآمدی بر روابط بین الملل، مترجمان: مهدی ذاکریان و دیگران، نشر میزان، چاپ ۴.
۲. کی پور، جواد. ۱۳۸۸. "دیپلماسی انرژی و منافع ملی ایران در جهان"، فصلنامه روابط خارجی، سال اول، شماره ۴.
۳. واعظی، محمود. ۱۳۸۶. "الگوی آسیایی امنیت انرژی مسیری برای همکاری"، مجله راهبرد، شماره ۴۳.
۴. واعظی، محمود. ۱۳۸۷. "آسیا و امنیت انرژی"، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، گروه پژوهش های سیاست خارجی، پژوهش شمار ۱۳.
۵. هادیان، حمید. ۱۳۸۷. "سهم نیروی دریایی چین در سیاست امنیت انرژی آن کشور"، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، گروه پژوهش های سیاست خارجی، پژوهش شماره ۱۳.
۶. گریفن، استل. ۱۳۷۸. "ابعاد مسئله انرژی"، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ترجمه غلامحسین حسن تاش، سال ۱۳ شماره ۷-۸.

- 1- <http://tradingeconomics.com>
- 2- [rystad energy](http://rystadenergy.com) (۲۰۲۲)
- 3- Armstrong, D., Farrell, T., & Lambert, H. (2007). International relation. Cambridge University Press.
- 4- Burley, A. (1993). International Law and International Relations Theory: A Dual Agenda. American Journal of International Law, 87(2), pp. 205-239.
- 5- Bhutia, S. (2019), Who wins in China's great Central Asia spending spree?, Eurasianet, Available Online at: [https://eurasianet. Org/who-wins-in-chinas-great-central-asia-spending-spreec](https://eurasianet.org/who-wins-in-chinas-great-central-asia-spending-spreec).
- 6- Cai, P. (2017), Understanding China's Belt and Road Initiative, The Lowy Institute for International Policy, Available Online at: <https://www.Lowyinstitute. Org/publications/understanding-belt-and-road-initiative>
- 7- Chana Daily (2017), New pipeline broad bases gas supplies. Retrieved from Belt and Road portal, Available Online at: <https://eng.yidaiyilu.gov.cn/qwyw/11213.htm>.
- 8- Dusek, M., & Kairouz, M. (2017), Is China pivoting towards

- the Middle East? Retrieved from Word Economic Forum, Available Online at: <https://www.weforum.org/agenda/2017/04/is-china-pivoting-towards-the-middle-east/>
- 9- Dusek, T.(2017), China's Asian Dream. London: Zed Books.
  - 10- Fauzisyah, V .(2018), China and UNCLOS: An inconsistent relationship, MSc Political Science: Nationalism, Ethnic Conflict and Development, Leiden University
  - 11- Financial times(2017), Xi Jinping delivers robust defence of globalization at Davos, Available Online at: <https://www.ft.com/content/67ec0-dca2-11e6-9d7c-be10af1c1dce>
  - 12- Gennari, L.(2016), Power Transitions and International Institutions: China's Creations of the Asians Infrastructure Investment Bank, University of Pennsylvania
  - 13- Global Times.(2017), How the Belt and Road initiative is bringing countries together. Retrieved from Global Times: A available Online at: [http:// www.globaltimes.cn/ content/1046488.shtml](http://www.globaltimes.cn/content/1046488.shtml)
  - 14- Hongpei, Z., & Day, C.(2017), Belt, Road boosts world cooperation. Retrieved from Global Times, Available Online at: [http://www.globaltimes. Cn/content/1046322.shtml](http://www.globaltimes.cn/content/1046322.shtml).
  - 15- Keohane, R. O.(2008), After Hegemony: Cooperation and Discord in the World political Economy. Princeton: Princeton University Press
  - 16- Keohane, R . O.( 2008), After Hegemony: Cooperation and Discord in the World Political Economy. Princeton: Princeton University Press
  - 17- Li, X.,& uwen,Z.(2016), The Future of China's Diplomacy in the Middle East. Retrieved from The Diplomat, Available Online at: <http://thediplomat.com/2016/07/the-future-of-chinas-diplomacy-in-the-middle-east/>
  - 18- NDRC.(2015, March 28), Vision and Actions on Jointly Building Silk Road Economic Belt and 21<sup>st</sup>- Century Maritime Silk Road. Retrieved from National Development and Reform Commission, Available Online at:[http:// en.ndrc. gov. cn/newsre Lease/ 2015003/t 20150330-669367. Html](http://en.ndrc.gov.cn/newsreleases/2015003/t20150330-669367.html)

- 19- B.P. ۲۰۱۱. Energy Outlook ۲۰۳۰, London.
- 20- China Energy, pollution, Environment. ۲۰۱۰-۲۰۱۱. Facts & Statistics, in: [http:// www.china\\_mike. Com/facts- about- china/ facts- pollution- environment- energy/ contex](http://www.china-mike.com/facts-about-china/facts-pollution-environment-energy/context), Geopolitics of Energy in Eurasia.
- 21- Jian, Zhang. ۲۰۱۱. China's Energy Security: prospects, challenges, and opportunities, the Brooking Institution.
- 22- Leverett, Flynt, Jeffrey Bader. ۲۰۰۵. "Managing China-U.S. Energy Competition in the Middle East", Washington Quarterly, winter.
- 23- Qinhu, xu. ۲۰۰۷. china's Energy Diplomacy and its Implications for Global Energy Security, FES Briefing, August.

